

## انتظار و لزوم آن

توجه به معنا و حقیقت انتظار، دریچه‌ای است برای رسیدن به این مهم. انتظار يك دوره‌ی آماده‌سازی و زمینه‌سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت‌سر نگذاشته باشد ابر و ناقص و بی‌ثمر خواهد بود.



توجه به معنا و حقیقت انتظار، دریچه‌ای است برای رسیدن به این مهم. انتظار يك دوره‌ی آماده‌سازی و زمینه‌سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت‌سر نگذاشته باشد ابر و ناقص و بی‌ثمر خواهد بود. ما کسانی را می‌بینیم که به پا ایستاده‌اند و راه افتاده‌اند، ولی دوره انتظاری نداشته‌اند. گویا چیزی نمی‌خواسته‌اند و تنها بر اساس جو محیط و جریان حاکم به رفتن وادار شده بودند.

این‌ها بدون انتظار و بدون آماده باش در گام‌های اول گرفتار شده‌اند و به خودخوری و فرار از خوب‌شدن رسیده‌اند و آخر سر در زیر فشار ابهام‌ها و اشکال‌ها، در مرحله فکر و اعتقاد، در مرحله ظرفیت و تحمل، در مرحله‌ی طرح ریزی و در مرحله‌ی عمل، از کمبود امکانات گرفته تا نیازهای اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی و حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، در زیر بار این فشارها و ابهام‌ها، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده‌اند.

طبیعی است آن‌ها که عمل زده بودند، بعدها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناه‌گاهی بگردند. که باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

این خاصیت انتظار است که تو را وادار می‌کند تا کمبودها را حدس بزنی و برای تأمینش بکوشی و این خاصیت انتظار است که تو را به آمادگی و حضوری می‌رساند که ما نعم‌ها را بشناسی و برای رفع‌شان، برنامه بریزی.

آنجا که آدم می‌بیند آدم‌هایی استخوان‌دار پس از سال‌ها تحصیل چگونه سر در گم هستند و نمی‌دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده و سر در لاک شده‌اند با پرسش رو به رو می‌شود علت انزوا و خستگی این‌ها همان نداشتن دوره‌ی انتظار است. این‌ها ندیده آمده‌اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، متحیر و سرگردان شوند یا این‌که تجدید نظر دوباره داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

ضرورت و اهمیت دوره انتظار را می‌توان از لابه‌لای صفحات تاریخ نیز به دست آورد.

پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام تا به امروز، ریشه تمام حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه‌ی اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه‌ی مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آنجا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال معرفی شده است.

از مهم‌ترین رازهای نهفته‌ی بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش و کوشش و جنبش وامی‌دارد و مانع از نومیدی و بی‌تابی و افسردگی و درماندگی او می‌گردد. این تأثیر آن‌قدر ملموس و کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی نیز از آن گفت‌وگو کرده‌اند.

«هانری کریبن»؛ اسلام شناس شهیر فرانسوی می‌گوید:

... مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست‌های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است. . . معنای این امر به عقیده‌ی این جانب، چشمه‌ای بی‌نهایت و ابدی از معانی و حقایق است. . . معنویت اسلام تنها با تشیع، امکان حیات و دوام و تقویت دارد و این معنا در برابر هرگونه تحول و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند، استقامت خواهد کرد. امام زمان، مفهوم اعلائی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است.

این‌جانب، مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه‌ای نو و بکر، احساس و درک می‌کنم و چنین به تفکر و دلم الهام می‌شود که رابطه‌ی حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می‌دانم.

«جیمز دار مستر»؛ شرق شناس معروف فرانسوی در این باره می‌گوید:

در حله که نزدیک بغداد است همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می‌رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می‌ستاندند و . . . فریاد می‌زدند که: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به خدا بیرون بیا.

وی در جایی می‌گوید:

قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می‌توان کشتار کرد، اما مطیع نمی‌توان ساخت.

در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آنرا مانع تسلط خود بر مسلمانان برشمردند: «میشل فوکو، کلر بریر، در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری: ابتدا امام حسین علیه السلام و بعد امام زمان (عج) را مطرح می‌کنند و دو نکته را عامل پایداری شیعه معرفی می‌کنند .

نگاه سرخ و نگاه سبز در کنفرانس «تل آویو» هم افرادی مثل برنارد لویس، مایکل ام جی . جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر بر این بحث خیلی تکیه می‌کنند . آنها در تحلیل انقلاب اسلامی، به «نگاه سرخ» شیعیان، یعنی عاشورا و «نگاه سبز» شان یعنی انتظار می‌رسند . جمله‌ی مشهوری دارند که «این‌ها به اسم امام حسین قیام می‌کنند و به اسم امام زمان (عج)، قیامشان را حفظ می‌کنند .

دشمن به اهمیت مدیریت شیعه آن‌هم زمانی که رهبر آن غایب و از نظرها پنهان است، پی برده‌اند و به همین منظور اقداماتی در این رابطه انجام داده‌اند و سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه‌ی مقدس طراحی کرده و متناوبا به اجرا گذارده‌اند .

از آن جمله، دخالت مستقیم و حمایت از پروسه‌ی «شخصیت پردازی و مهدی تراشی ، تخریب پایه‌ی فکری «مهدی باوری» از طریق ژست‌های علمی و به ظاهر شرق‌شناسی، پرورش و حمایت از سرسپرده‌های داخلی مانند احمد کسروی، شریعت‌سنگلجی، سلمان رشدی و اخیرا احمد الکاتب، انتشار تبلیغات مسموم رسانه‌ای، امپراتوری اهریمنی رسانه‌های استکباری و بمباران تبلیغاتی توپخانه‌های صوتی و تصویری ژورنالیستی نظام سلطه، یکی از قوی‌ترین ابزارهای کودتای فکری و شست‌وشوی مغزی توده‌هاست .

در واپسین دهه‌های قرن بیستم، هجومی از این نوع را علیه ایده‌ی «ظهور مهدی موعود» شاهد بودیم . در سال 1982 میلادی، سریالی با نام «نوستر آداموس» به مدت سه ماه متوالی از شبکه‌ی تلویزیونی آمریکا پخش شد . این فیلم سرگذشت ستاره شناس و پزشک فرانسوی به نام «میشل نوستر آداموس» بود که نزدیک به 500 سال قبل می‌زیسته است . این سریال، پیشگویی‌های وی را درباره‌ی آینده‌ی جهان به تصویر کشیده بود که مهم‌ترین آنها پیش‌گویی وی درباره‌ی ظهور نواده‌ی پیامبر اسلام در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپاییان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود .

هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره‌ای خشن، بی رحم، ویران‌گر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود و تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود .